

با تصویب قطعنامه شورای امنیت ایران در سرایشب مجازاتهای بند ۴۱ فصل ۷ سازمان ملل قرار گرفت

بقیه از صفحه اول

رضا اکرمی

بر مبنای این قطعنامه از جمله ایران و جامعه جهانی فراخوانده شده اند تا:

ایران باید بدون تاخیر، تمام فعالیت‌های حساس هسته‌یی‌اش را متوقف کند که شامل تمام فعالیت‌های مربوط به غنی سازی، بازفرآوری در زمینه تحقیق، توسعه و کار بر روی پروژه‌های مربوط به آب سنگین از جمله ساخت رآکتور تحقیقاتی است.

-تمام کشورها باید اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از تامین، فروش و انتقال مستقیم یا غیر مستقیم از خاک خود یا توسط افراد خود انجام دهند که این امر شامل تمام موضوعات از جمله مواد، تجهیزات، کالاها و تکنولوژی‌هایی که می‌تواند در خدمت برنامه‌ی هسته‌یی و موشکی بالستیک ایران قرار گیرد، باشد.

-تمام کشورها باید سرمایه‌ها و دیگر موارد اقتصادی را که می‌تواند در خدمت برنامه‌های هسته‌یی ایران در موارد فوق قرار گیرد، مسدود کنند. این توقف سرمایه‌ها در مورد افراد و شرکت‌هایی که از سوی شورای امنیت مشخص شده‌اند، صورت می‌گیرد و بنا بر تعریف شورای امنیت آنها کسانی هستند که با برنامه‌های هسته‌یی و یا سیستم‌های "تسلیحاتی هسته‌یی" ایران در ارتباطند.

-از تمام کشورها خواسته شده است تا از آموزش ایرانی‌های که در ارتباط با برنامه‌های هسته‌یی قرار دارند خودداری کنند، این امر چه در داخل خاک ایران و چه خارج از آن ممنوع است.

-تاکید بر این نکته که اگر ایران فعالیت هسته‌یی‌اش را متوقف کند، این امر می‌تواند به راه‌حل دیپلماتیک و مذاکره برای تضمین دسترسی ایران به فن‌آوری هسته‌یی صلح‌آمیز بینجامد.

-از مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواسته شده تا در ۶۰ روز دربار‌ی این که آیا ایران به طور

کامل امر تعلیق و دیگر موارد ذکر شده در قطعنامه را اجرا کرده است به طور موازی به شورای حکام و شورای امنیت گزارش دهد.

-تاکید بر این نکته که تمام تحریم‌های قید شده در این قطعنامه باید به محض اجرای الزامات قید شده در قطعنامه و الزامات شورای حکام از سوی ایران، برداشته شود.

-در صورتی که ایران به مفاد قید شده در قطعنامه عمل نکند، اقدامات بیشتری بر اساس بند ۴۱ فصل ۷ منشور سازمان ملل علیه ایران اعمال می‌شود و در صورتی که چنین اقداماتی لازم باشد، باید در آینده در این باره تصمیم گرفت.

اما باز چنانکه قابل پیش بینی بود تا کنون واکنش مسئولین جمهوری اسلامی ایران به این قطعنامه نه تأمل و بازنگری در سیاستهای بحران آفرین خود، بلکه رجز خوانی و تهدید به شتاب بخشیدن به روند غنی سازی اورانیوم و خروج از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و به خیال خود برداشتن کنترل و نظارت بین‌المللی بر طرح‌های ماجراجویانه آنها بوده است.

می‌دانیم روند کار این پرونده فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده است. تا جائیکه به جناح کنونی حاکم بر ایران مربوط می‌شود. تداوم فعالیت‌های هسته‌ای، مخالفت با هر گونه توقف در روند غنی سازی اورانیوم، در کنار حملات تو خالی اما شدید لفظی علیه اسرائیل و کلا دامن زدن به جو یهود ستیزی در هر مناسبت و بالاخره نفت بر آتش کانون‌های جنگ و خون ریزی در لبنان و فلسطین و عراق ریختن، به جای «مهرورزی و نفت را بر سفره نیازمندان ایران گذاشتن»، موضوع اصلی درس‌های اکابری محمود احمدنژاد در سفرهای استانی اش گردید و از حق نباید گذشت که همین رویه از سوی آیت اله علی خامنه‌ای رهبر رژیم نیز بارها مورد تأیید و ستایش قرار گرفت.

اما در روند کار مذاکرات همین باند جمهوری اسلامی با هیئت مذاکره کننده اروپائی که این بار مذاکرات خود را به نمایندگی از گروه ۱+۵ دنبال می‌کردند لحظاتی نیز پیش آمد که انتظار تعدیل جو عدم تفاهم و رسیدن به توافقی لاقبل پیرامون توقف همزمان فعالیت‌های هسته‌ای ایران و انجام مذاکرات گروه ۱+۵ به اضافه ایران کاملاً واقعی شده بود هر گاه اتفاقاتی جنبی در سطح منطقه و آمریکا رخ نمی

داد و مسئولین جمهوری اسلامی به خیال خود شرایط را بر وفق مراد خود نمی‌دیدند.

انتخابات آمریکا، شکست جرج دبلیو بوش در مجلس نمایندگان و سنای این کشور. طرح احتمال مذاکره با ایران و سوریه در ارتباط با بحرن عراق، که در گزارش کمیسیون ویژه گنگره آمریکا پیشنهاد شده بود، «پیروزی» حزب اله در مقابل تهاجم اسرائیل به لبنان و بلاخره بازی با برگ حماس در جنبش فلسطین را شاید بتوان از جمله عوامل سرسختی مجدد حکومت ایران در مذاکرات دانست که در کنار محاسبه غلط از اختلافات درون شورای امنیت رسیدن به نقطه موجو را اجتناب ناپذیر ساخت.

اگر تا دیروز می‌شد انتظار داشت که روند مذاکرات حتی در چارچوب کادر کنونی سیاست گذاران و مجریان این پرونده در ایران گشایش‌هایی حاصل شود با تصویب این قطعنامه که با توجه به آنچه گفته شد اجتناب ناپذیر شده بود، روشن است که نمی‌توان کمترین انتظاری جز تشدید بحران و حتی احتمال درگیری نظامی را از نظر دور داشت.

سران رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر فرصت حل مسالمت جویانه بحرانی را که خود در بروز و تشدید آن نقش اساسی داشته‌اند از دست دادند. اما تغییر این سیاست و باز گردان اعتماد در مناسبات ایران و شورای امنیت ممکن است هر گاه صداهای مخالف با جریان حاکم بر ایران از هر سو بلند شود و اظهار نظر پیرامون آینده این پرونده به مردم سپرده شود.

می‌دانیم همین روزها دو انتخابات در ایران بر گذار شد پیرامون اهمیت حضور مردم در پای صندوق‌های رأی از طرف جناح‌های مختلف رژیم گرد و خاک‌های بسیاری صورت گرفت بدون اینکه اصلی‌ترین عناصر زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم در مطالبات و برنامه‌های کاندیداها کمترین نشانی داشته باشد.

بدون باز کردن چشم اندازی خارج از این بازی جناحین، خارج شدن کشور از بحرانی موجود از جمله همین آخرین آن ناممکن است. در پراکنده گی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی موجود انتظار معجزه نمی‌توان داشت، اما یک مسئله روشن است بدون گشودن چشم اندازی دمکراتیک که حق مردم را در تعیین سرنوشت خویش تأمین نماید. روزهای دشوارتری در پیش روی مردم ما خواهد بود.

۳ بهمن ۱۳۸۵ / ۲۴ دسامبر ۲۰۰۶

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران